

Original Article

**An Investigation of the Components of Citizenship Rights in Islamic Civilization:
Focusing on Verses of Holy Quran**

Yousef Mohammadi Soleymani¹

1. A Faculty Member of the Department of Islamic Teachings, School of Literature and Humanities, Velayat University, Iranshahr, Iran. Email: alims1366@gmail.com

Received: 22 May 2018 Accepted: 21 Jan 2019

Abstract

Today citizenship rights have been taken into account as one of the basic components of various political systems. Although citizenship rights have relatively universal foundations including equality and justice, freedom, tolerance, civil ethics and human dignity, conceptions and definitions of citizenship rights by political schools and ideologies are different. While in western civilization the emphasis is laid on the centrality of liberty, liberalism and secular human rights, other civilizations including Islamic civilization are grounded upon the centrality of religion in the determination of social and political values. On the other hand, civilization as the totality of the practical achievements of human life insists on such features as justice, knowledge, intellection, thinking and civility and thus it has certain similarities to citizenship rights. Now the basic question of the current research is this: what are the basic components of citizenship rights in Islamic civilization? Among the results of present study one can refer to the idea that citizenship intended by Islamic civilization is dependent upon going beyond the ordinary notion of citizenship in western civilization and such concepts as theocentrism and divinity, justice administration, ethicalism, tolerance, intellection and thinking. Moreover, in Islamic civilization citizenship is based on the rights and responsibilities and the golden principle, "Every one of you is responsible and accountable before the citizens", represents its building block. Given the subject-matter of current study we have taken advantage of the descriptive-analytic approach together with the library and documented method. Furthermore, we have gathered the required data via evaluation of the scientific articles in this field.

Keywords: Citizenship; Civilization; Islamic Civilization; Citizenship Rights

Please cite this article as: Mohammadi Soleymani Y. An Investigation of the Components of Citizenship Rights in Islamic Civilization: Focusing on Verses of Holy Quran. *Iran J Med Law, Special Issue on Human Rights and Citizenship Rights 2019; 99-110.*

واکاوی مؤلفه‌های حقوق شهروندی در تمدن اسلامی با تأکید بر آیات قرآن

یوسف محمدی سلیمانی^۱

۱. عضو هیأت علمی گروه معارف اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ولایت، ایرانشهر، ایران. Email: alims1366@gmail.com

دریافت: ۱۳۹۷/۳/۱ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱

چکیده

امروزه حقوق شهروندی به عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی نظام‌های سیاسی مختلف مورد توجه قرار گرفته است، هرچند حقوق شهروندی دارای مبانی نسبتاً جهان‌شمولی از جمله برابری و عدالت، آزادی، تساهل و مدارا، اخلاق مدنی و کرامت انسانی است، اما برداشتها و تعاریف از حقوق شهروندی در نزد مکاتب و ایدئولوژی‌های سیاسی متفاوت است. در حالی که تمدن غرب، بر محوریت آزادی، لیبرالیسم و حقوق بشر سکولار ابتننا شده است، تمدن‌های دیگر از جمله تمدن اسلامی بر محوریت جایگاه دین در تعیین ارزش‌های اجتماعی و سیاسی شناخته می‌شود. از سوی دیگر، تمدن به عنوان مجموعه دستاوردهای عملی حیات بشری، بر ویژگی‌هایی نظیر عدالت، علم، تعقل و اندیشه‌ورزی و مدنیت تأکید می‌کند. از این رو دارای قرابت‌هایی با حقوق شهروندی است. حال سؤال اساسی پژوهش حاضر این است: مؤلفه‌های اساسی حقوق شهروندی در تمدن اسلامی کدام هستند؟ از نتایج پژوهش حاضر این است که شهروندی مد نظر تمدن اسلامی با فراروی از شهروندی معمول در تمدن غرب، بر محورهایی نظیر خدامحوری و الهی‌بودن، عدالت‌گستری، اخلاق‌مداری، مدارا، تعقل و اندیشه‌ورزی استوار است. همچنین شهروندی در تمدن اسلامی بر پایه حقوق و مسؤولیت‌ها شکل گرفته است و اصل طلایی «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ» به عنوان شاکله اصلی آن محسوب می‌شوند. با توجه به موضوع پژوهش حاضر از رویکرد توصیفی - تحلیلی بهره جستیم که با روش کتابخانه‌ای و اسنادی و همچنین بررسی متون مقالات علمی در این زمینه به گردآوری داده‌های مورد نظر اقدام شده است.

واژگان کلیدی: شهروندی؛ تمدن؛ تمدن اسلامی؛ حقوق شهروندی

مقدمه

بحث و تبادل نظر درباره حقوق شهروندی و جایگاه آن در تمدن اسلامی به عنوان یکی از مباحث مهم در دوره معاصر می‌باشد که مورد توجه صاحب‌نظران جهان اسلام نیز قرار گرفته است، به این دلیل که تمدن‌های مختلف از جمله تمدن غربی درصدد هستند تا با اشاعه دیدگاه حقوق شهروندی لیبرالی، رویکرد خود را به عنوان رویکرد مطلوب بر دیگران تحمیل کند. با این حال، سیر تاریخی شکل‌گیری دین اسلام نشان می‌دهد که اسلام نیز دارای پایه‌های تمدنی سترگی است که معماری اولیه آن به دست رسول گرامی اسلام (ص) بنیان گذاشته شد و طی نسل‌های متمادی، رویکردهای متعددی در حوزه‌های مختلف از جمله توجه به حقوق انسان‌ها داشته است، هرچند حقوق شهروندی مفهومی نوین است و خاستگاه آن به انقلاب فرانسه برمی‌گردد، اما مفاهیم و مؤلفه‌های حقوق شهروندی به صورت روشن در نزد تمدن اسلامی دیده می‌شود. در این زمینه می‌توان به مؤلفه‌های مشترک تمدن اسلامی و حقوق شهروندی از جمله علم و دانایی، مدارا، اخلاق‌مداری و عقلانیت اشاره کرد. با این حال، مؤلفه‌های حقوق شهروندی در تمدن اسلامی به الهی‌بودن و خدامحوری توجه خاصی می‌نمایند و از این جهت با سایر تعاریف متعارف از حقوق شهروندی متمایز هستند. بنابراین بُعد دیگر حقوق شهروندی، الهی‌بودن و خدامحوری است که به طور خاص در حقوق شهروندی تمدن اسلامی مورد توجه قرار می‌گیرد.

تمدن اسلام به عنوان مجموعه دستاوردهای نظری و عملی مکتب اسلام، جایگاه خاصی برای حقوق شهروندی در نظر گرفته و مؤلفه‌های متعدد آن از جمله برابری، آزادی، مدارا، توجه به علم، خردورزی و دانایی را مد نظر قرار داده است. تمدن اسلام، برای هر شهروندی، حق حیات، اشتغال، مالکیت، آزادی و حفظ حریم خصوصی را محترم شناخته است. از این رو تمدن اسلام نسبت به حقوق افراد به عنوان شهروندان جامعه اسلامی توجه ویژه‌ای مبذول داشته است، زیرا قائل به کرامت و شرافت بی‌بدیل نوع انسان است. بدین ترتیب آگاهی از مبانی نظری حقوق شهروندی از دیدگاه اسلام موجب

گسترده‌گی و تغییر نوع نگاه مسلمانان به حقوق خود خواهد شد (۱). به این ترتیب که تمدن اسلامی در جهت تحقق اصول و اهداف حقوق شهروندی تلاش نموده و آن را از متولیان جامعه اسلامی نیز مطالبه خواهند نمود. در چارچوب این تمدن منحصر به فرد، شهروندان جامعه اسلامی نسبت به خود و دیگران و حقوق و مسؤولیت‌هایی که برای تک‌تک آنان در نظر گرفته شده است، آگاه می‌گردند و به دنبال آن نسبت به مطالبه و رعایت آن‌ها خواهند کوشید. همچنین با آگاهی نسبت به ارکان و پایه‌های شهروندی، علاوه بر پی‌بردن به ارزشمندی این ارکان و اصول از منظر اسلام، هر شهروند با پرورش و درونی‌کردن این ارکان در وجود خود به عنوان یک شهروند مطلوب شناخته می‌شود و همین امر باعث می‌شود تا به جایگاه اصلی خویش که همان خلیفه الهی است، نزدیک گردد. همچنین در سایه رعایت حقوق شهروندی آثار پر برکت آن همچون عدالت، امنیت، مهرورزی، فقرزدایی و... بر جامعه حاکم گردد (۲).

پژوهش حاضر درصدد است تا جایگاه تمدن اسلامی را در مؤلفه‌های حقوق شهروندی معاصر نشان دهد و رویکرد نوینی را بیافریند که برخلاف شهروندی سکولار و غربی، مبتنی بر آموزه‌های الهی و دینی است و حقوق و مسؤولیت‌ها را به عنوان شاکله حیاتی حقوق شهروندی معرفی می‌نماید. بدین ترتیب در چهار مؤلفه خدامحوری، مدارا، تعقل و علم‌ورزی و اخلاق‌مداری به بررسی مؤلفه‌های حقوق شهروندی در تمدن اسلامی پرداخته می‌شود. ساختار پژوهش حاضر با ارائه تعاریف و مبانی مفهومی آغاز می‌شود. سپس مؤلفه‌های حقوق شهروندی را بررسی می‌نماید و در چارچوب تمدن اسلامی، حقوق شهروندی مد نظر تمدن اسلامی را به عنوان یک الگوی جدید مطرح می‌سازد.

مفاهیم پژوهش

۱- تمدن

۱-۱- **تمدن در لغت:** تمدن واژه‌ای عربی که از «الحضاره» و از ریشه مدن گرفته شده است و معنای متبادر آن پذیرش مدنیت، اقامت در شهر و خوگرگرفتن به اخلاق مردم شهر است.

۲- حقوق شهروندی

حقوق شهروندی (Citizenship Rights)، تشکیل شده از دو مفهوم «حق» و «شهروندی» است که تلفیق آنان با یکدیگر معنای خاصی می‌آفریند. حقوق شهروندی در معنای عام و پذیرفته شده آن، به مجموعه حقوق سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و مدنی اشاره می‌کند که در یک مرز سرزمینی مورد پذیرش یک نظام سیاسی قرار بگیرند. در این معنا، حقوق انسان از بدیهی‌ترین مفاهیم است. هنگامی که حق انسانی را مطالبه می‌کنیم، به این واقعیت متکی می‌شویم که آن حق هیچ توجیهی جز خودش ندارد: خود منشأ و مبنای خود و نیروی قانع‌کننده خود است (۶).

حقوق شهروندی، مستلزم برابری در حوزه‌های مختلف زندگی شهروندی و ایجاد شرایطی آزاد و برابر برای دستیابی به اهداف مختلف شهروندی است. بنابراین برابری بر اساس مشارکت و شمولیت همه گروه‌ها، نیازمند مجموعه خاصی از حقوق برای هر گروه است و برای بعضی از گروه‌ها، این نظام فراگیری به شمار می‌رود (۷). همچنین شهروندی، علاوه بر حقوق، تکالیفی را نیز برای شهروندان در نظر گرفته است که بر مبنای آن، شهروندان و نظام سیاسی در تعامل با یکدیگر درصدد دستیابی بدان‌ها هستند. بنابراین شهروندی علاوه بر حقوق، به مسؤولیت‌ها نیز اشاره می‌کند. در این معنا، شهروندی، به گونه‌ای منفعلانه، با تخصیص حقوق خاص و رعایت قانون تعریف نمی‌شود، بلکه نیازمند هویت‌بخشی فعال با اصول سیاسی بنیادین دموکراسی است (۷). بدین ترتیب حقوق و مسؤولیت به عنوان دو وجه پیوسته شهروندی محسوب می‌شوند. بنابراین ما برای حفظ حقوقمان باید مسؤولیت‌هایی که جامعه را پایدار می‌دارند، قبول نماییم (۸).

تمدن اسلامی ویژگی‌های آن

۱- تاریخچه و اهداف تمدن اسلامی

بررسی‌ها نشان می‌دهد که کلمه تمدن در قرآن نیامده است، ولی ریشه این کلمه یعنی مدن ۲۷ بار در ۲۷ آیه و ۱۵ سوره به کار رفته است. در این میان، ۱۰ بار واژه «مدین» و ۳ بار واژه «مدائن» به معنای شهرها آمده است. کلمه «مدینه»

تمدن در زبان انگلیسی و فرانسه «Civilization» به کار برده می‌شود. دانشمندان رشته‌های مختلف علوم انسانی، تعاریف خاص و غالباً متفاوتی از تمدن ارائه می‌دهند. برخی باستان‌شناسان بر این عقیده هستند که تمدن با ویژگی‌هایی مانند پیشرفت نسبی در دانش، صنعت و هنر همراه است و می‌تواند مرحله‌ای از یک فرهنگ اجتماعی خاص باشد. واژه دیگری که غالباً همراه تمدن به کار می‌رود، فرهنگ است که در زبان انگلیسی «Culture» و در عربی «ثقافه» نامیده شده است. فرهنگ را می‌توان مجموعه‌ای از سنت‌ها، آداب و اخلاق فردی یا خانوادگی اقوامی دانست که پایبندی آن‌ها به این امور باعث تمایز آن‌ها از دیگر اقوام و قبائل می‌شود و چون باورها ذهنی‌اند، پس فرهنگ جنبه عینی ندارد (۳).

۲-۱- تمدن در اصطلاح: تمدن در اصطلاح، نظمی

اجتماعی است که در نتیجه وجود آن خلاقیت فرهنگی امکان‌پذیر می‌شود و چهار رکن و عنصر اساسی را دربر می‌گیرد که عبارتند از: پیش‌بینی و احتیاط در امور اقتصادی، سازمان سیاسی، سنن اخلاقی و کوشش در راه معرفت و بسط هنر (۴). در این زمینه عبدالرحمن ابن خلدون، فیلسوف و مورخ بزرگ اسلامی که به حق پایه‌گذار علم جامعه‌شناسی و تاریخ‌نگاری تحلیلی است، معتقد است که اجتماع انسانی، مفهومی است که از آن باید به مدنیت یاد کرد، پس تمدن به حالت اجتماعی انسان اطلاق می‌گردد (۵). با این اوصاف، تمدن در حالت عملی و عینی، به مجموعه دستاوردها و اندوخته‌های مادی و معنوی بشر اطلاق می‌شود که نمودی بیرونی دارند. در این معنا، انسان‌ها به عنوان موجوداتی فرهنگی و طالب زندگی جمعی شناخته می‌شوند که با همکاری و تعامل با هم زندگی می‌کنند و آثاری را خلق می‌نمایند که نمود عینی و مشخصی بر جای می‌گذارد. از همین رو می‌توان از تمدن‌های مختلف اسلامی، غربی، هندی، چینی، رومی، یونانی و... سخن گفت. بنابراین تمدن‌ها در عین این‌که ویژگی‌های مشترکی دارند، برحسب اهداف و زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی از هم متمایز می‌شوند.

تنهایی طی کرده است، بلکه خط منحنی دندانهای داشته، یعنی گاهی اوقات در اوج بوده، گاهی اوقات در اثر عوامل مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حتی طبیعی، دوران‌هایی با رکود مواجه بوده، ولی این تمدن هیچ وقت نمرده است (۱۱). به عبارتی دیگر، هرچند سیر تکاملی تمدن اسلامی پس از چندین سده اعتلا و پویایی، در اثر عوامل درونی و بیرونی، دچار انحطاط گردید، اما فرهنگ و تمدن برخاسته از اندیشه اسلامی به رغم گسست‌های عملی سیاسی و اجتماعی دولت‌ها هیچ‌گاه به فراموشی سپرده نشد و احساس بازگشت به اسلام و احیای تمدن اسلامی، به عنوان دغدغه اصلی اندیشمندان جهان اسلام همواره وجود داشت (۱۲).

با این وجود، تمدن اسلامی، همواره عزت و کرامت انسان‌ها را به عنوان یکی از اهداف خود دنبال می‌کرد، به طوری که اغلب مؤلفه‌های مکنون در آن، نقش مهمی در مبانی حقوق شهروندی در طی سده‌های بعدی و حتی جوامع اسلامی امروزی داشته است. بدین ترتیب تمدن اسلامی بر پایه کرامت انسان‌ها بنا شده است و با تشویق دانش، خردورزی و زندگی مسالمت‌آمیز، داعیه حمایت از عدالت و حقوق مستضعفین را در سراسر جهان دارد. به تعبیر شهید مطهری که درباره جایگاه تمدن اسلامی در زمانه معاصر چنین بیان می‌کنند: «ما شاهد جوشش و حرکتی در کشورهای اسلامی اسیر هستیم. شعارها و داعیه‌های توحیدی و آزادی‌بخش اسلام، نه تنها مسلمین، بلکه هر قوم ستم‌کشیده دیگر را که با این تعالیم آشنایی می‌یابند، به جنبش و پویایی درمی‌آورد. در کشورهای آفریقایی نوین و نیز در کشورهای عربی تحت استعمار، اسلام به صورت ایدئولوژی نهضت و قیام محرومین درآمد است» (۱۳).

بر این اساس و با توجه به آموزه‌های تمدن اسلامی باید گفت حق کرامت یا حرمت داشتن اشخاص در جامعه همانند حق حیات از موارد بسیار مهم در زندگی اجتماعی است. انسان یک موجود اجتماعی است و هنگامی می‌تواند به رشد و تکامل مورد نظر خویش برسد که بتواند از مواهب و نعمات الهی اعم از مادی و معنوی فردی و اجتماعی استفاده کند، لذا برای ایجاد بستر مناسب جهت تکامل انسان در درجه نخست

نیز ۱۴ بار در قرآن آمده است که ۴ بار به معنای یثرب و مدینه‌النبی (ص) و ۱۰ بار به معنای غیر از شهر یثرب به کار رفته است. از این رو برای بررسی تمدن از نگاه قرآن باید به واژه‌هایی که مفهوم تمدن یا مؤلفه‌ها و شاخصه‌های آن را می‌رساند، مراجعه کرد (۹). در هر صورت، به لحاظ عملی، تمدن اسلامی توسط حضرت رسول (ص) بنیانگذاری شد و در مدت کوتاهی توانست اغلب سرزمین‌های عربستان، کشورهای اطراف و حتی نقاط دوردست جهان را فرا گیرد.

ظهور اسلام به مثابه یک حادثه مهم تاریخی، از جهات گوناگون شایسته بحث و بررسی است. اسلام که از همان ابتدا پیام جهانی داشت، پس از گذشت چهارده قرن، هنوز به عنوان یک دین معتبر در جهان مطرح است. فلسفه تشریح اسلام، هدایت همه جهانیان است. پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد (ص) در انجام این رسالت الهی - انسانی بسیار موفق عمل کرد و توانست انقلاب اجتماعی کاملی در جامعه زمان خودش ایجاد نماید. مسلمانان نیز با الهام‌گرفتن از اصول و شاخصه‌های اسلام و سیره رسول اکرم (ص) موفق شدند در مدت کم‌تر از یک قرن، با تأسیس امپراطوری عظیم اسلامی، طی چند قرن بر بخش اعظمی از جهان حکومت کنند. توفیق شگرف اسلام در تمدن‌سازی و اعتلای فرهنگ اعجاب‌برانگیز است. تمدن اسلامی که خاستگاه قرآنی دارد، با عزم والای پیامبر اسلام (ص) در یثرب (مدینه‌النبی) بنیان نهاده شد، با اهتمام جدی مسلمانان مرزها را درنوردید و تمدن‌های شناخته‌شده معاصر خود را به شدت تحت تأثیر قرار داد، حتی در قرن اول هجری، اصول و داعیه‌های توحیدی و اسلامی آنچنان آشکار و روشن به مردم ابلاغ گردید که تمام مردم متمدن آن روزگار با جان و وجدان خویش پذیرای آن‌ها شدند و به زودی یک ملت مشترک یا «بین‌الملل اسلامی» به وجود آمد (۱۰).

به مرور زمان، تمدن اسلامی دچار فراز و نشیب‌های زیادی شد و نزاع‌های مذهبی داخلی، دشمنان خارجی و نظام‌های طاغوتی، در مقابل گسترش تمدن اسلامی قد غلم کردند. بنابراین سیر گسترش و شکوفایی تمدن اسلامی، همواره به طرف اوج نبود. بنابراین در طول تاریخ، تمدن اسلامی نه یک مسیر کاملاً مستقیم را طی کرده، نه یک خط صعودی را به

خالص (نیز) همواره از آن او می‌باشد؛ آیا از غیر او می‌ترسید؟!» (۱۶).

از این منظر، حقوق شهروندی از منظر تمدن اسلامی، ویژگی الهی پیدا می‌کند که برخلاف آموزه‌های سکولار و غیر دینی، همه چیز را از آن خدا می‌داند و از همین رو خواهان آن است که اطاعت و بندگی از خداوند، به عنوان رفتار اصلی شهروندان در تمدن اسلامی مورد توجه قرار گیرد. به تعبیر قرآن کریم که در سوره آل عمران آیه ۳۱ می‌فرماید: «قُلْ أَنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَ يُغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ بگو اگر خدا را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید تا خدا [نیز] شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببخشد و خدا آمرزنده مهربان است» (۱۶).

عنصر خدامحوری، نقطه اتصال حقوق شهروندی به قدرت لایزال خداوندی است که تمدن اسلامی را از سایر تمدن‌ها متمایز می‌سازد. بنابراین درباره عنصر خدامحوری باید گفت در تمامی عرصه‌های زندگی، همچون اقتصاد، سیاست، خانواده و... معطر به عطر خدایی شده و در این جامعه رفتار و پندار مردم، الهی می‌شود و با همه شهروندان ارتباط مهرآمیز برقرار می‌کند و به عنوان پشتیبان مادی و معنوی آن‌ها وارد صحنه می‌شود (۱۷)، ضمن این‌که، دستورات و اوامر الهی به صورتی مبرهن و روشن در قرآن کریم بیان شده است و راه هدایت شهروندان در نزد تمدن اسلامی در آن بیان گردیده است، چنانچه در طول تاریخ، مسلمانان با الهام‌گرفتن از آموزه‌های قرآن توانستند به همراه پیامبر خدا (ص)، تمدن اسلامی را پایه‌گذاری کنند. بنابراین قرآن به معنای دقیق کلمه محور اسلام است و با تمام این ویژگی‌ها بر آدمیان نازل نمی‌گشت و هرگز فهمیده نمی‌شد، مگر به واسطه پیامبر خدا که پیام‌آور و مفسر آن بود (۱۸). به همین دلیل امروزه هم باید گفت اگر زندگی قرآنی در جامعه رواج یابد، شاهد هیچ مشکلی در جامعه نبوده و تمامی انسان‌ها می‌توانند از یک زندگی آرام و مسالمت‌آمیز برخوردار باشند.

۲- اخلاق‌مداری

امروزه و در بحث از حقوق شهروندی، اخلاق‌مداری یکی از ویژگی‌های اصلی آن به حساب می‌آید. اخلاق شهروندی در

بایستی حرمت و احترام اجتماعی انسان که نیاز طبیعی و فطری اوست، صیانت گردد و مورد تحقیر واقع نشود. انسانی که هتک حرمت شود و مورد انواع و اقسام توهین‌ها قرار گیرد، فاقد شخصیت خواهد شد و دچار تزلزل و ناامیدی می‌گردد. در مرحله بعد بایستی این امکان برای همه انسان‌ها فراهم شود که بتوانند از امکانات و نعمات موجود در راستای نیل به تعالی و کمال مطلوب بهره‌گیرند (۱۴).

مؤلفه‌های حقوق شهروندی در تمدن اسلامی

حقوق شهروندی در اسلام دارای مؤلفه‌ها و مبانی خاصی است که آن را از سایر مؤلفه‌های حقوق شهروندی متمایز می‌سازد، هرچند اصول کلی مورد تأکید در حقوق شهروندی از جمله عدالت، آزادی، برابری، تأکید بر خرد و علم و دانش از محورهای مشترک حقوق شهروندی در جوامع مختلف است، اما آنچه مشخص است این‌که حقوق شهروندی در اسلام، شیوه و راه‌کار خاصی برای تحقق این مسأله در نظر گرفته است. به طور خاص، اصل اساسی در حقوق شهروندی اسلامی این است که تک‌تک افراد، هیچ کدام ذاتاً و اصالتاً حق حاکمیت ندارند، جمع مردم و جامعه نیز ذاتاً و اصالتاً از چنین حقی برخوردار نیستند، چراکه تمام هستی و متعلقاتشان مال خداست و همگی مملوک و ملک حقیقی خداوند متعال هستند (۱۵).

در همین راستا، می‌توان مؤلفه‌های حقوق شهروندی در تمدن اسلامی را شناسایی کرد و نقش آن‌ها را در تحقق حقوق مادی و معنوی شهروندان مورد توجه قرار داد. به طور مشخص، مؤلفه‌های حقوق شهروندی در تمدن اسلامی با توجه به آیات قرآن کریم قابل استخراج است که در اینجا به چند مؤلفه اساسی پرداخته می‌شود:

۱- خدامحوری

چنانچه گفته شد، یکی از ویژگی‌های اساسی حقوق شهروندی که از ابتدا و به عنوان محور اصلی تمدن اسلامی مطرح شده است، متعلق‌دانستن همه حقوق به خداوند متعال است. همانطور که قرآن کریم در سوره نحل آیه ۵۲ بیان می‌دارد: «وَلَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَهُ الدِّينُ وَاصِباً أَفَغَيْرَ اللَّهِ تَتَّقُونَ؛ آنچه در آسمان‌ها و زمین است، از آن اوست و دین

واقع ناظر بر حقوق و مسؤولیت‌های شهروندی و اجرای شیوه‌هایی برای برقراری زندگی مسالمت‌آمیز در میان شهروندان است. به طور خاص، مقصود از اخلاق‌مداری، توجه به جنبه‌های حقوق و تکالیف در پرتو حقوق شهروندی است. بر اساس این ادعا، فرض بر این است که همه افرادی که به طور مشروع می‌توانند ادعای شهروندی دولت را داشته باشند، به طور برابر در حقوق و مسؤولیت‌های شهروندی سهیم هستند (۹). به علاوه در حقوق شهروندی انسان به مثابه شهروند باید از حقوقی برخوردار باشد که ناظر به عضو شدن وی در جامعه است و در نتیجه منافع، مصالح، اخلاق و سیاست‌ها و در یک کلام عقل جمعی و عمومی است و دولت به مثابه شخصیتی حقوقی اکنون محور ترسیم حقوق شهروندان و متعهد به محدودیت‌ها و مسؤولیت‌هاست (۱۹).

قرآن کریم با دعوت به همکاری جمعی و توصیه به مشارکت در امور مختلف، زمینه‌ساز تمدنی تأثیرگذار شده است که از جمله نتایج آن توجه به تعاون، حقوق شهروندی جمعی و همچنین تلاش برای ساختن جامعه‌ای آباد بر مبنای خرد جمعی و همکاری عمومی است. همانطور که پیامبر به اتکای پیام وحی از مردمی پراکنده، جاهل و فاقد تمدن در نتیجه وحدت، همگرایی و تعاون ملتی متحد و تمدنی درخشان بنا نهاد که بشریت تا ابد مرهون آن است (۲۲).

علاوه بر اخلاق جمعی و ایجاد روحیه تعاون و همکاری در تمدن اسلامی، آنچه باعث تمایز حقوق شهروندی اسلامی از سایر مکاتب فلسفی و سیاسی می‌شود، توجه به ابعاد حیات معنوی و مادی و ایجاد نگرش اخلاقی جدید در حوزه حقوق شهروندی است. همانطور که تمدن‌ها دارای دو جنبه مادی و معنوی هستند که جنبه معنوی آن اخلاق است. از این جهت، اخلاق، مهم‌ترین عامل تربیتی انسان، عامل کنترل درونی و زیربنای قوانین و هنجارها در جامعه است. عمل به مقررات و قانون بدون پشتوانه اخلاقی ممکن نیست و تا زمانی که انسان‌ها از درون انگیزه‌ای برای اجرای مقررات و قوانین نداشته باشند، تلاش‌های بیرونی به جایی نمی‌رسد، زیرا زور و خشونت و کنترل بیرونی بدترین ضمانت اجرای قانون است که جز در موارد ضروری نباید از آن استفاده کرد. در مقابل ایمان و اخلاق بهترین ضامن اجرای قانون و مقررات است (۲۳). در این باره می‌توان گفت بخش عمده‌ای از تعالیم پیامبران و کتب آسمانی از جمله قرآن کریم، اخلاق است و حتی قرآن کریم یکی از اهداف رسالت پیامبران را تزکیه و تربیت معرفی

به نظر می‌رسد تمدن اسلامی با محوریت قراردادن اخلاق که نمونه بارز آن در معرفی پیامبر (ص) به امتش با عنوان «مکارم اخلاق» مشهود است، جایگاه خاصی به اخلاق‌مداری در حقوق شهروندی بخشیده است. بنابراین رعایت اصل اخلاق‌مداری، گامی جهت تأمین عدالت اجتماعی و استقلال و خودکفایی واقعی برای جامعه اسلامی است، مشروط به این که فرهنگ، اخلاق و نظام تربیتی اسلام بر جامعه حاکمیت یابد (۲۰).

اخلاق‌مداری در تمدن اسلامی جایگاه وسیع و گسترده‌ای دارد و می‌تواند شاکله حقوق شهروندی در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی آن تلقی شود. در این زمینه، به عنوان مثال، پیامبر اعظم (ص) نقل شده است: «کسی که سنت نیکویی را پایه‌ریزی کند، پاداش آن کار و پاداش همه کسانی را که تا روز قیامت به آن عمل می‌کنند، خواهد داشت و کسی که سنت بدی را پایه‌ریزی کند، کیفر آن کار و کیفر همه کسانی که تا روز قیامت به آن عمل می‌کنند، برای او نیز خواهد بود» (۲۱). بنابراین اعمال نیک و اخلاق نیکو به عنوان صفت مهم حقوق شهروندی در تمدن اسلامی بسیار حائز اهمیت است.

داشتن روحیه تعاون و همکاری و همچنین پرهیز از خودخواهی و استبداد رأی یکی دیگر از مؤلفه‌های

می‌نماید که شهروندان اسلامی نیز می‌توانند با اطاعت از اوامر آنان، اخلاق شهروندی را سرلوحه اعمال خویش قرار دهند. همانطور که در آیه ۱۶۴ سوره آل عمران بیان می‌شود: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ؛ خداوند بر مؤمنان منت نهاد هنگامی که در میان آن‌ها پیامبری از خودشان برانگیخت، که آیات او را بر آن‌ها بخواند و آن‌ها را پاک کند (تربیت کند) و کتاب و حکمت بیاموزد البته پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند» (۱۶).

بنابراین اخلاق شهروندی در تمدن اسلامی، دارای الگوهای الهی از جمله رفتار و کردار حضرت رسول (ص) است که می‌تواند سعادت دنیوی و اخروی مؤمنان را رقم بزند، چنانچه قرآن در وصف اخلاق پیامبر (ص) و معرفی شخصیت آن حضرت در آیه ۴ سوره قلم می‌فرماید: «وَ إِنْكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ؛ و تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری» (۱۶).

بر همین اساس پیامبر اسلام، فلسفه بعثتش را به کمال رساندن اخلاق نیکو می‌داند و خود را به عنوان کسی معرفی می‌کند که خواستار برقراری «مکارم اخلاق» در میان مردم است. بنابراین باید گفت اخلاق شهروندی در تمدن اسلامی بر مبنای کردار و رفتار حضرت رسول (ص) و ائمه معصومین (ع) سنجیده می‌شود و به عنوان الگویی برای شهروندان معرفی می‌شود.

۳- مدارا

مدارا به عنوان یکی از ویژگی‌های اساسی حقوق شهروندی در جوامع معاصر شناخته می‌شود. مداراجویی، بیش از هر چیز به گروه‌های سرکوب‌شده و ناپیدای جامعه مشروعیت می‌بخشد و بدین‌سان به آنان، توان رقابت برای دستیابی به منابع موجود را می‌دهد (۲۴)، ضمن این‌که پذیرش دیدگاه‌های گوناگون و مخالف، حق پذیرش انتقاد از سوی حاکمان و همچنین مدارای شهروندان در قبال آرا و دیدگاه‌های یکدیگر از جمله مؤلفه‌های مداراجویی در حوزه زندگی شهروندی است. به نظر می‌رسد این موضوع به خوبی هم در آغاز شکل‌گیری تمدن اسلامی و هم در مدل‌های اسلامی و سیاسی مشهود و نمایان است.

دین اسلام از جهت اصلاح دیدگاه‌های پیشین و نفی ظلم و ستم بر دیگران، رویه‌های متعددی در زمینه مداراجویی شهروندان ارائه می‌دهد، حتی می‌توان گفت تمدن اسلامی مخصوصاً در سده‌های درخشان تمدن اسلامی در قرون دوم تا پنجم هجری، نوع منحصر به فردی از مدارا را پدید آورده است. از این جهت می‌توان گفت اسلام، میان خشونت پدیده جنگ و لطافت عواطف انسانی و ملائمت اصول اخلاقی، قهر و مهر، صلابت و ملائمت، چنان ماهرانه الفت برقرار شده است که مایه شگفتی است. این ویژگی در محیط و فضایی ظهور یافت که زشت‌ترین خصلت‌ها و ناپسندیده‌ترین کارها رواج داشت و ابتدایی‌ترین حقوق انسانی زیر پا گذاشته می‌شد. رعایت حقوق انسانی در جنگ، مورد توجه کسانی قرار گرفت که پیش از ظهور اسلام مدام در جنگ و خونریزی و غارت بودند و از انجام هیچ جنایتی پروا نداشتند (۲۵). بنابراین مدارا به عنوان یکی از خصوصیات اصلی حقوق شهروندی در اسلام، ناظر بر فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی آنان است که می‌تواند الگویی برای حقوق شهروندی معاصر تلقی شود.

قرآن کریم به خوبی به این موضوع اشاره می‌کند و حتی از رسول گرامی اسلام (ص) می‌خواهد که همواره با زبان نرم و از موضع مدارا، عفو و بخشش با امت اسلامی سخن بگوید. این رویکرد به خوبی در آیه شریفه زیر نمایان است. جایی که در سوره آل عمران آیه ۱۵۹ بیان می‌کند: «فِيَمَا رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ لِيُنْزِلَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ...؛ به (برکت) رحمت الهی در برابر آنان (مردم) نرم شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می‌شدند. پس آن‌ها را ببخش...» (۱۶).

رسول اکرم (ص): «مُدَارَاهُ النَّاسِ نِصْفُ الْإِيمَانِ وَ الرَّفْقُ بِهِمْ نِصْفُ الْعَيْشِ؛ مدارا کردن با مردم نصف ایمان است و نرمی و مهربانی کردن با آنان نصف زندگی است» (۲۶).

آیه شریفه فوق به خوبی نشان می‌دهد که تمدن اسلامی، مدارا و مداراجویی را به عنوان رفتار شهروندان در حوزه زندگی سیاسی و اجتماعی شهروندان و نظام سیاسی نیز پذیرفته است و به همین دلیل، ملاک برتری شهروندان را «تقوا» و نه نژاد، پوست، رنگ، جنس و... معرفی می‌کند. بدین ترتیب حقوق

جامعه برقرار سازند. همانطور که در آیه ۱۰ سوره حجرات بیان می‌کند: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ؛ مؤمنان برادر یکدیگرند، پس دو برادر خود را صلح و آشتی دهید، و تقوای الهی پیشه کنید، باشد که مشمول رحمت او شوید» (۱۶، ۲۷).

بدین ترتیب می‌توان گفت یکی از دلایل اصلی تداوم و انتقال تمدن اسلامی در طول قرون متمادی، پرهیز از خشونت‌طلبی و دعوت به صلح و آرامش درونی و بیرونی است که نمونه‌های بارز آن در قرآن کریم و حکومت حضرت رسول اکرم (ص) و حضرت علی (ع) است. بنابراین از جمله موارد ایجاد و بقای تمدن‌ها، روحیه و فرهنگ مدارا و مسالمت‌جویی می‌باشد. عکس این وضع یعنی خشونت، نزاع و روحیه عدم تحمل و مدارا موجب واگرایی و از هم‌گسیختگی و انحطاط جوامع و تمدن‌ها است و این مسأله (مدارا و مسالمت) توصیه قرآن و سنت پیامبر و اهل بیت (ع) است. بخشش قریش نمونه‌ای از سیره پیامبر در همین رابطه است (۱۶).

۴- تعقل و اندیشه‌ورزی

در مقوله حقوق شهروندی، از عقلانیت و اندیشه‌ورزی به عنوان عرصه‌ای برای تعامل شهروندان دفاع می‌شود. به این دلیل که امروزه، عقلانیت و خرد جمعی مبنای برای قانون اساسی شهروندان به حساب می‌آید. همچنین ترویج خردورزی و تعقل در حوزه حقوق شهروندی، بیانگر آن است که دلیل عمومی برای پذیرش مفاد قانونی وجود دارد. ایده دلیل عمومی، در عمیق‌ترین سطح، ارزش‌های اخلاقی و سیاسی بنیادی را مشخص می‌کند که قرار است تعیین‌کننده رابطه حکومت مبتنی بر قانون اساسی با شهروندان و روابط آن‌ها با یکدیگر باشد (۲۸).

مجادله احسن و گفتگو در شهروندی یک اصل پذیرفته شده است. این موضوع از جهات متعددی بر شکل‌گیری تمدنی مبتنی بر عقلانیت نیز اثر می‌گذارد. عقلانیت از آن جهت باعث ارتقای حقوق شهروندی می‌شود که از شیوه‌های مختلف شهروندان برای اداره جامعه بهره می‌برد و درصدد تحمیل یک شیوه خاص بر سایر شیوه‌های موجود در جامعه نیست. همانطور که بیان می‌شود: «شاید بعضی از شهروندان احساس کنند که

شهروندی اسلامی تفاوت‌های جنسی، نژادی، قومی و زبانی را عاملی برای شناخت بیشتر انسان‌ها می‌داند و هرگز این تفاوت‌ها را وسیله‌ای برای برتری بر دیگران قلمداد نمی‌کند. جایی که با لفظ فراگیر «یا أَيُّهَا النَّاسُ» و نه «یا أَيُّهَا الْمُؤْمِنِينَ»، همه را از یک مرد و زن می‌داند که تنها برای شناخت همدیگر، قبیله قبیله شده‌اند. به فرموده قرآن کریم در سوره حجرات آیه ۱۳: «یا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ؛ ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید (این‌ها ملاک امتیاز نیست)، گرامی‌ترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست، خداوند دانا و آگاه است!» (۱۶).

تعیین ملاک «تقوا» و نه تفاوت‌های نژادی و جنسی، علاوه بر این‌که تمدن اسلامی را از بسیاری از نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌های اجتماعی می‌رهاند، شاکله‌ای برای مداراجویی می‌آفریند، به این دلیل که دعوت به صلح و آرامش فارغ از تفاوت‌های قومی، نژادی، جنسی و فرهنگی به نوبه خود، مدارا و آرامش را به جامعه تزریق می‌کند و شکل مسالمت‌آمیزی از حقوق شهروندی را رقم می‌زند. از این منظر، سیاست تمدن اسلامی بر مبنای آموزه‌های دینی، مبتنی بر دفع حداقلی و جذب حداکثری است و حتی خداوند به رسول گرامی اسلام (ص) هشدار می‌دهد که از طرد مؤمنان جلوگیری کند، در غیر این صورت در زمره ستمگران است. همانطور که در آیه ۵۲ سوره انعام چنین بیان می‌کند: «وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَمَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِمْ مِنْ شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ؛ و کسانی را که صبح و شام خدا را می‌خوانند و جز ذات پاک او نظری ندارند، از خود دور مکن! نه چیزی از حساب آن‌ها بر توست و نه چیزی از حساب تو بر آن‌ها! اگر آن‌ها را طرد کنی، از ستمگران خواهی بود» (۱۶).

علاوه بر این، تمدن اسلامی با توجه با تجارب عملی در حوزه حکومت‌داری و اداره جامعه، خواستار برقراری صلح و آرامش در میان شهروندان می‌شود و از آنان می‌خواهد که با زدودن کدورت‌ها، زمینه را برای مدارا و آرامش و صلح در

بهترین شکل زندگی، مشارکت در سیاست است، بعضی دیگر ممکن است غیر از این فکر کنند. با این حال، برداشت فوق می‌طلبد که شهروندان برای رسیدن به موافقت در زمینه منازعات سیاسی - اجتماعی وارد فرایند مشورت و مجادله عمومی شوند» (۳۰)، ضمن این‌که مجادله عمومی هنگامی که مبتنی بر بیان آزاد و انتقاد سازنده از سوی شهروندان باشد، به خوبی می‌تواند زمینه‌های پیشرفت یک جامعه را فراهم سازد.

از طرفی دیگر به دلیل پیوند مشترک میان علم و عقلانیت در دوران معاصر، تکیه بر وجوه علمی و دانایی در تمدن‌ها، نقش مهمی در توسعه حقوق شهروندی و شکل‌گیری زیست مبتنی بر عقلانیت دارد. از این جهت، رابطه تمدن با علم رابطه‌ای مستقیم است و هیچ تمدنی بدون توسعه، شکوفایی و تولید علم ساخته نشده است و توجه به علم، اساسی‌ترین رکن تمدن و از مهم‌ترین دستاوردهای انبیای الهی است. پیامبران با برخورداری از علم الهی مبعوث می‌شوند و با جهل و نادانی مبارزه می‌کنند و عرصه نبرد آن‌ها مبارزه علم با جهل است و به همین جهت است که در اسلام علم و دانش از قداست بالایی برخوردار است و به کرات واژه علم (۶۰ بار) و مشتقات آن (۸۵۴ بار) در قرآن به کاررفته است (۳۰).

تأکید بر علم و دانایی به عنوان مهم‌ترین مشخصه تمدن اسلامی، در آیات قرآن کریم مشهود و نمایان است. همانطور که در آیه ۱ سوره قلم چنین می‌فرماید: «ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ؛ ن، سوگند به قلم و آنچه می‌نویسند» (۱۶).

در همین راستا، تمدن اسلامی با تشویق علم و عقلانیت، نقش مهمی در ارتقای گفتگو و زیست عقلانی میان شهروندان ایفا می‌کند. در همین راستا، زمامدار حکومت اسلامی عهده‌دار تأمین علم و دانش شهروندان قلمرو حکومت خود می‌باشد. بنابراین از مهم‌ترین اهداف حکومت اسلامی آن است که انسان‌ها را به سوی «خلیفه‌الله» شدن رهنمون باشد، دیگر آنکه کشور اسلامی را به مدینه فاضله تبدیل نماید. قرآن کریم به عنوان مبنای تمدن اسلامی، خردمندی و اهل اندیشه را مورد ستایش قرار می‌دهد و در باب برابری میان انسان‌ها به حالتی استفهام در آیه ۹ سوره زمر چنین بیان می‌کند: «... قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ؛

بگو: آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟! تنها خردمندان متذکر می‌شوند» (۱۶).

علاوه بر این، قرآن کریم با ترغیب شهروندان به عقلانیت و خردورزی، پادشاهای دنیوی و اخروی را متعلق به اهل خرد می‌داند و به آنان وعده می‌دهد که رزق و احسان متعلق به اهل اندیشه است. همچنان که در سوره نحل آیه ۶۷ بیان می‌کند: «وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَ الْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَ رِزْقًا حَسَنًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ؛ و از درختان خرما و انگور، مسکرات و روزی خوب و پاکیزه می‌گیرید، در این، نشانه روشنی است برای گروهی که می‌اندیشند» (۱۶).

بدین ترتیب هسته‌های اصلی تمدن اسلامی مبتنی بر عقلانیت و خردورزی و اهمیت‌قائل شدن به علم و اندیشه است، حتی در سنت پیامبر اسلام (ص) تأکید فراوانی بر جایگاه و اهمیت عقل گردیده است. در حدیثی می‌فرماید: «اول مخلوقی که خداوند آفرید عقل بود، تمام خیر در عقل است و پایه شخصیت افراد عقلشان است و کسی که عقل ندارد، دین ندارد» (۳۱). بنابراین اهمیت عقلانیت در میان شهروندان از منظر آموزه‌های قرآنی و روایات نقل‌شده از رسول گرامی اسلام (ص) و معصومین (ع) چنان است که دینداری مستلزم وجود عقلانیت است و کسی که عقل ندارد، به عنوان دیندار شناخته نمی‌شود. علاوه بر این، در آیات دیگری از قرآن، خداوند شیوه دعوت مردم به حق را به پیامبر در سوره نحل آیه ۱۲۵ این‌گونه توصیه می‌فرماید: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ؛ با حکمت و اندر نیکو به راه پروردگارت دعوت نما و با آن‌ها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن» (۱۶).

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر در راستای پاسخگویی به این سؤال طراحی شد که مؤلفه‌های اساسی حقوق شهروندی در تمدن اسلامی کدام هستند؟ بر این اساس، مؤلفه‌های اساسی تمدن اسلامی که از قضا مهم‌ترین ابعاد حقوق شهروندی را تشکیل می‌دهند، به عنوان چارچوبی برای بحث حاضر انتخاب شدند. بر این اساس، خدامحوری و باور به معنویت و رویکرد الهی، مدارا و

بر عنصر معنویت و خدامحوری می‌تواند حقوق شهروندی بدیعی بیافریند و به عنوان الگویی مؤثر در این زمینه مطرح شود.

زندگی مسالمت‌آمیز، اخلاق‌مداری و همچنین توجه به علم، عقلانیت و خردورزی به عنوان مؤلفه‌های اساسی حقوق شهروندی معاصر در پرتو تمدن اسلامی مد نظر قرار گرفتند. از این منظر، حقوق شهروندی به وضوح در تمدن اسلامی از ابتدا تا به امروز وجود داشته است و بررسی آیات و روایات نشان می‌دهد که تمدن اسلامی می‌تواند جایگاه قابل توجهی در توسعه حقوق شهروندی داشته باشد.

با مطالعه در آیات متعالی قرآن توجه به تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان به وضوح قابل مشاهده است. برخلاف آنچه که تصور می‌شود، حقوق شهروندی به لحاظ ماهیت شناختی، موضوعی بدیع و صرفاً وارداتی نیست، بلکه از همان ابتدای شکل‌گیری جوامع، انسان دارای حقوقی بوده است که کم و بیش مورد توجه مکاتب بشری نیز قرار گرفته‌اند. همچنین امروزه، با توسعه شهرنشینی دامنه این حقوق و توجه بیشتر به آن، افزایش یافته است. در این راستا، قرآن کریم، چشم‌اندازی تمام‌نما و نسخه‌هایی جهان‌شمول از اصول و ارزش‌هایی والا، برای ارتقای کیفی شئون زندگی انسان معرفی و توصیه می‌نمایند. یکی از توصیه‌های مهم تعالیم قرآنی که مبنای تمدن اسلامی به شمار می‌رود و می‌تواند به عنوان الگوی حقوق شهروندی معرفی شود، توجه به وحدت امت اسلامی و هم‌افزایی میان شهروندان با تکیه بر اصل تساوی و برخورداری از کرامت یکسان و حقوق برابر است.

حقوق شهروندی در تمدن اسلامی دارای ابعاد مختلفی است که به خوبی می‌تواند به عنوان چارچوبی برای حقوق شهروندی جهانی مطرح می‌شود. از این منظر، روی سخن قرآن و سنت همواره فراتر از شهر و کشور بوده و تمامی انسان‌ها را خطاب قرار داده و از امت واحد اسلامی سخن گفته شده که این هدف تنها در صورت رعایت حقوق افراد اعم از فردی و اجتماعی میسر است. در این رویکرد، تنها راه نجات انسان‌ها و شکل‌گیری زندگی مسالمت‌آمیز، توجه به علم و عقلانیت، اخلاق‌مداری، مدارا با سایر شهروندان، توجه به جنبه‌های علمی و عقلانی در حوزه حقوق شهروندی است. تمدن اسلامی با سابقه درخشان و بهره‌گیری از مبانی دینی و قرآنی و تأکید

References

1. Imam Ali. Nahj al-Balaqa. Translated by Dashti M. Qom: Mashhour; 2000. p.146.
2. Imam Sajjad. Sahifeh Sajjadiyeh. Translated by Sha'arani AH. Tehran: Asjk Zereh; 2010. p.209.
3. Ya'qoubi A. Tarikh-e Ya'qoubi. Translated by Ayati ME. Tehran: Book Translation and Publication Foundation; 2014. p.129-138.
4. Imam Khomeini R. Jurisprudential guardianship and Islamic government. Tehran: Amir Kabir; 1996. p.145.
5. Khalduni A. Ibn Khaldun's introduction. Translated by Parvin Gonabadi M. Tehran: Book Translation and Publication Foundation; 1974. p.159-168.
6. Guy M. Citizen in the History of Western Thought. Tehran: Farzan Ruz Press; 2012. p.187.
7. Baumster A. New Femenism, in Political Theory in Transition, Noel Sulivan. Translated by Abniki H. Tehran: Kavir Press; 2009. p.259.
8. Faulx K. Citizenship. Translated by Delafroz MT. Tehran: Kavir Press; 2011. p.73.
9. Baihaghi H. Al-Sunan al-Kobra. 3rd ed. Beirut: Dar al-Kutub al-Elmiyyeh; 2003. p.249-273.
10. Motahari M. Mutual Services of Iran and Islam. Tehran: Sadra Publishers; 2011. p.117.
11. Zare'e H. Horizons of theosophy in the sky of tradition. The Author's Conversation with Nasr SH. 1st ed. Tehran: Qoqnu; 2014. p.208.
12. Zarrinkoub A. Dawn of Islam. Tehran: Amir Kabir; 1996. p.253.
13. Zenati M. Mo'jam al-Mostalehat al-Eslamiyyeh. Beirut: Maktabah Nehzat al-Mesriyyeh; 2006. p.51-64.
14. Zenati M. Mo'jam al-Mostalehat al-Eslamiyyeh. Beirut: Maktabah Nehzat al-Mesriyyeh; 2006. p.51-64.
15. Mesbah Yazdi M. Short Study of the Theory of Velayat Faqih. Qom: Imam Khomeini Research Center; 2009. p.178-190.
16. Holy Quran. Asra: 6; Araf: 185.
17. Taqinia E, Sufi N. Indices of Islamic Civilization from the Perspective of Quranic Verses and Prophetic Traditions. *Islamic Social Studies* 2014; 20(3): 2-23.
18. Imam Ali. Nahj al-Balaqa. Translated by Dashti M. Qom: Cultural-Research Institution of Amir al-Mo'menin (PBUH); 1999. p.139-149.
19. Javid M. Universal Ideas of Human Rights (Comparative Study of the Universal Declaration of Human Rights and Islam). *Critical Review* 2008; 36(2): 111-119.
20. Ghaffari H, Yunisi A. Jurisprudential Foundations of Islamic Economy. 2nd ed. Tehran: Payame Noor Press; 2016. p.98-112.
21. Mofid M. Al-Fusul al-Mukhtarh. Edited by Mir Sharifi A. Qom: Sheikh Mofid Congress; 2003. p.247-256.
22. Horr-e Ameli MIH. Wasael al-Shia ela Tahsil Masael al-Rayah. Edited by Rabani Shirazi AR, Razi M. Beirut: Dar al-Turath; 2014. p.119-131.
23. Nuri Tabarsi H. Mostadrak al-Wasael. 1st ed. Beirut: Al-e al-Bayt; 1988. p.174.
24. Valerz M. On Tolerance. Translated by Najafi S. Tehran: Danesh va Pazhuhesh Press; 2012. p.85-92.
25. Faqih Habibi A. Armed Conflict in Middle East and Its Role in Rights of Islamic War, Contemporryay Political Studies. *Institute for Human Sciences and Cultural Studies* 2015; 6(3): 171-190.
26. Kuleini M. Al-Kafi. Edited by Ghaffari AA. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah; 1987. p.155.
27. Al-Esfahani H. Kashf al-Litham. Qom: Ayatollah Marashi Library; 1985. p.26.
28. Rawls J. Law of People. Translated by Muhsini J. Tehran: Qoqnoos Press; 2011. p.348-358.
29. Fistenstein M. Cultural Diversity and Limitations of Liberalism. Translated by Sulivan N, Abniki H. Tehran: Kavir Press; 2009. p.419-427.
30. Tabataba'ei M. Tafsir al-Mizan. Translated by Musavi Hamadani MB. Qom: Islamic Publication Office; 2011. p.315-326.
31. Mostafavi H. Al-Tahqiq 32 fi Kalamat al-Quran al-Karim. Tehran: Book Translation and Publication Institution; 1981. p.45.